

# روابط متوازن با کشورهای همسایه، تقویت روند صلح و ایجاد کمر بند دفاعی در برابر تروریسم

محمد سالم مصغری

## سرمقاله ایران و افغانستان؛ فرصت ها و تهدیدها

**محمد رضا هویدا**  
روابط افغانستان با کشورهای همسایه اش همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است. افغانستان با پاکستان و ایران، دو کشور همسایه نزدیک خود، که بیشترین مرزهای مشترک را دارند، روابط نزدیکی داشته است. تحولات سریع افغانستان، روابط با همسایه هایش را نیز تحت تاثیر قرار داده است. پاکستان و ایران دو کشوری که بیشترین مهاجر را در خود جای داده اند، در تحولات افغانستان تاحدودی دخیل داشته می شوند. ایران و پاکستان در زمان جنگ سرد، توانسته اند در قضایای افغانستان وارد شوند و اکنون این دو کشور هم در سیاست و اقتصاد و هم در امنیت و ثبات افغانستان موثر هستند.

ایران کشوری که از یک طرف خود در منطقه درگیر در مسایل بزرگی است و از سوی دیگر در منطقه نیز یک قدرت بزرگ به حساب می آید، نقش موثری در افغانستان داشته و دارد. ایران میلیون ها مهاجر را در خود جای داده است. همان گونه که سفارت ایران از شلوغ ترین سفارت خانه ها در کابل است، مرز ایران نیز همواره پر رفت و آمد و ترده است. ایرانی ها که پذیرای میلیون ها مهاجر هستند، از این اهرم می توانند به نفع و یا به ضرر افغانستان استفاده نمایند.

علاوه بر موضوع مهاجرین که همواره از آجندهای مذاکرات و سفرهای مقامات افغانستان به ایران بوده است، موضوع صلح و جناح بندی های اخیر در منطقه نیز برای افغانستان مهم است. ایران هم در موضوع پمن و عربستان در مقابل عربستان ایستاده است و اما افغانستان دارای جبهه واحدی میان سیاستمداران خود نیست. در حالی که اشرف غنی از عربستان حمایت کرده بود، اما ریاست اجراییه با هر نوع حمایت بی قید و شرط از عربستان مخالفت نموده است. کشور ایران بر موضوع و ای حساسیت ویژه ای دارد و احتمالاً موضوع حمایت افغانستان از عربستان در مذاکرات تأثیراتی خواهد داشت.

مخالفت ایران با امریکا و کشورهای غربی و بحران هسته ای ایران نیز در ارتباط با افغانستان همواره نقش داشته است. این موضوع و موضوعات دیگری همانند مواد مخدر، قاچاق انسان و ... روابط دو کشور را متاثر ساخته است. اما علاوه بر اینها، افغانستان و ایران در مسایل بزرگتری به یکدیگر نیاز دارند و نمی توانند از یکدیگر بگذرند.

دو دولت گذشته افغانستان بعد از طالبان، روابط معقول و مناسبی را با ایران داشته اند. رئیس جمهوری قبلی تلاش کرد تا خود را درگیر در اختلافات سیاسی ایران با جهان غرب نکند و همین طور در مناسبات منطقه ای و اختلافاتی که در منطقه وجود دارد، جانب هیچ کشوری از جمله ایران را نگیرد و همین گونه علیه هیچ کشوری نیز موضع گیری نکند. ایران از این جهت از طرف افغانستان خاطر جمع بود. موضع گیری اخیر رئیس جمهوری، تا حدودی بر خاطر جمعی ایران از افغانستان اثر گذاشته و مطمئناً ایرانی ها را نسبت به عملکرد افغانستان در مسایل منطقه ای حساس کرده است. بدین جهت بسیاری از کارشناسان، توازن در سیاست خارجی افغانستان را یک اصل می دانند که نباید افغانستان به آن بی اعتنا باشد. افغانستان باید در سیاست خارجی خود، از هیچ یک از کشورها و قدرت های منطقه ای حمایت نکند. قرار گرفتن در کنار یک کشور و مخالفت با کشور دیگری برای افغانستان که ضربه پذیر است، در نهایت مفید نخواهد بود.

دولت های افغانستان و ایران باید بتوانند در کنار یکدیگر از امکانات و فرصت هایی که برای هر دو کشور فراهم شده است، استفاده لازم را ببرند و نگذارند تا شرایط منطقه ای و جهانی بر روابط این دو کشور تاثیر منفی بگذارد.

افغانستان و ایران امکانات و زمینه های فراوانی دارند که بتوانند برای تقویت همکاری ها در منطقه به کار بگیرند و هر دو کشور استفاده لازم را ببرند.

هر دو کشور هم فرصت هایی در منطقه و جهان دارند که استفاده ببرند و هم ضعف ها و کاستی هایی که آنها را ضربه پذیر می نماید، اما در صورتی که دو کشور روابط خود را به صورت منطقی استوار بسازند، می توانند به منافع مشترکی دست یابند که به نفع هر دو کشور باشد.

محمد اشرف غنی رئیس جمهور روز یکشنبه به ایران سفر کرد و در آن جا مورد استقبال حسن روحانی رئیس جمهوری ایران قرار گرفت. این سفر در حالی صورت می گیرد که به لحاظ امنیتی و سیاسی افغانستان در برابر دو گزینه صلح و جنگ قرار دارد؛ از یکسو به اثر تلاش های که دولت برای قانع ساختن و جلب همکاری کشورهای چون عربستان، امارات، پاکستان و چین برای آغاز روند صلح انجام داده، کشور، در انتظار به کار افتادن موتور این گفتگوهاست، از سوی هم با توجه به حرکت های افراطی و بنیادگرایانه ای که در سطح منطقه تحت نام داعش شروع شده و این گروه دارد در افغانستان نیز به جلب و جذب گروه های افراطی و راه اندازی عملیات های تروریستی می پردازد، تهدیدهای امنیتی را نیز برای مردم افغانستان آلزم می زند، که حکایت از حملات احتمالی تروریستی و جنگ های سختی می کند. طوری که دیدیم می شود با گرم شدن هوا و از بین رفتن موانع طبیعی فرا راه جنگ، در این روزها حملات هراس افکنانه و تروریستی گروه های تندرو افزایش یافته و از مردم افغانستان قربانی می گیرد.

به این صورت، دولت در برابر دو راه کاملاً مهم اما متفاوت قرار دارد. یکی صلح و دیگر جنگ است؛ مسایلی که عوامل داخلی آن نسبتاً یکسان و مشابه ولی عوامل خارجی آن متفاوت و نامشگون است. نکته اساسی در رابطه به این مسایل هم این است که راه مقابله با عوامل خارجی - منطقه ای این پدیده ها که می تواند افغانستان را در جنگ و یا صلح یاری رساند (به مراتب مهمتر و پیچیده تر است از راهمقابل با عوامل داخلی کسانی که تحت عنوانی مختلف علیه دولت و ملت افغانستان می جنگند). چه این که تروریسم و بنیادگرایی یک مساله منطقه ای و فرامرزی است و لذا، برای این که دولت با کسانی

صلح بکند و یا با کسانی بجنگند، همکاری های منطقه ای برای رسیدن به هدف یک ضرورت است. این مامل بدان جهت مهم است که تروریستان که روز مردم را به خاک و خون می کشانند و یا به صورت مدام و معنادار شهروندان را به خاطر برآورده شدن خواست های شان به گروگان می گیرند، نیروهای خودجوش بومی نیستند که مثلا برای جهاد دست به اسلحه برده باشند، بلکه آنان تروریستان اند که به گفته رئیس جمهور پیشین «اصلحه بیگانه ها را بردوش دارند» و نیز به گفته عبدالرب رسول سیاف یکی از رهبران جهادی، «آنان اختیار از خود ندارند، چون که مزدور اند».

از این رو، توقع داشتن تصمیم مستقلانه از سوی گروه های افراطی، یک توقع دقیق نیست؛ تروریستان که در جلال آباد، بدخشان، خوست، پکتیا، میدان وردگ، غزنی و سایر نقاط کشور دست به دهشت و ترور می زند و مردم را به گروگان می گیرند، صف شان مشخص است. بنابراین، حالا، بهتر است که دولت در برنامه های که برای صلح و ثبات دارد جدیت و دقت بیشتر به خرج دهد. در قدم اول، موضوع صلح با طالبان که از سوی پاکستان نوید داده شد و حتی زمان آن نیز اعلان گردید باید روشن شود.پاکستان پس از آن که اعلان کرده طالبان برای گفتگوهای صلح آماده است، عملاً هیچ گام مشخصی را برای عملی سازی این وعده برنداشته است، اگرچه در بخش اقتصادی وعده های برای افغانستان داده است، اما در بخش امنیتی در کنار امیدواری را که برای دولت منتقل کرده، جنرالان خانه نشین و باز نشستگان آن همواره با پیش کشیدن کارهایی که در حمایت از طالبان پاکستان انجام داده است، دولت و مردم افغانستان را تهدید می کنند که اگر این بار کابل از دل آنان راه نرود، بازهم

از طالبان و هراس افکنان حمایت کرده و نیز به خاطر وحشت و دهشت که آنان با حملات انتحاری، کشتن مردم بیگناه و تخریب منابع هام المنفعه راه می اندازند، کف خواهند زد. بدین لحاظ، پاکستان باید برای تقویت و دوام حسن نیت و فضای همکاری که بین دو کشور ایجاد گردیده اقدامات روشن و عملی را در راستای گفتگوهای صلح بردارد و هم چنان جلوگیری را که در این شرایط حساس با پختی و نشر موضوعات حساسیت برانگیز و نفرت انگیز بین مردمان دوکشور ناراحتی و دوری ایجاد می کنند، بگیرد. ادامه بی ثباتی در افغانستان، ادامه بی ثباتی در منطقه خواهد بود. همان گونه که کودکان افغانستان مورد حملات بی رحمانه و تروریستی قرار میگیرند، کودکان پاکستان نیز مورد حملات تروریستی قرار خواهند گرفت، چنانچه که تا حالا شده است. این بدان معناست که تروریسم خوب و بد ندارد، بلکه تروریسم و افراط گرایی، یک معضل منطقه ای است که ضرر آن به همه می رسد. ضررهای که تروریسم بر امنیت، اقتصاد و همزیستی منطقه ای ایجاد کرده، چیزی نیست که آن را کسی منفعت خود بداند و به خاطر آن بر طالبان کف بزند. پس خوب است که کشورهای منطقه به جای بازی های معنا دار و زور گویی با صداقت و همکاری برای مبارزه با افراط گرایی و تامین ثبات در منطقه تلاش نمایند.

آن چه که در این خصوص برای دولت افغانستان مهم و اساسی می نماید، جهت گیری سیاست و موضع است که بر اساس آن بتواند چالش ها و موانع فرا راه صلح و ثبات در کشور را بر دارد و زمینه را برای تقویت ثبات و رشد اقتصادی کشور فراهم سازد. از این جهت باید به صورت اساسی و فوری استفاده گردد. زیرا اولاً، میزان همکاری های منطقه ای در این خصوص که طالبان را وادار به گفتگوهای صلح کرده باشد به این حد نبوده است، و ثانیاً، حرکت های بنیادگرایی جدید، تهدید های جدید را

به میان خواهد آورد، که برای مقابله با آن تهدید ها حد اقل نباید دیگر معضل بنام طالب وجود نداشته باشد. استفاده از همکاری های منطقه ای برای مبارزه با هراس افکنان و تقویت ثبات، پیروز خواهد بود.

پس خوب است که دولت در کنار کمک ها و تهدات جامعه ای جهانی که برای مبارزه با تروریسم برای افغانستان داده اند، از همکاری ها و فرصت های منطقه ای نیز استفاده نماید. همکاری منطقی می تواند یک حلقه و کمربند دفاعی خوبی در برابر تروریستان ایجاد کند که می توان به وسیله ای آن هم ثبات و آرامی را در افغانستان و منطقه تامین کرد و هم با معضل چون مواد مخدر مبارزه کرد. روسیه، هند و ایران کشورهای قدرت مند منطقه ای است که می توانند در این راستا افغانستان را یاری رسانند. اما مساله ای که باعث می شود افغانستان از همکاری های آن ها به خوبی استفاده نتواند، مشکلات است که روسیه با امریکا، هند با پاکستان و ایران با عربستان دارد. اکنون، این کار کابل است که چگونه می تواند برای تامین صلح و ثبات، بین این قدرت های که روابط متضادی با یکدیگر دارند، با افغانستان، فضای مشترک همکاری به وجود بیاورد که از طریق آن صلح و امنیت در سراسر منطقه تقویت بشنیده شود.

# روش های فراقانونی و افزایش خشونت بر زنان

عبدالله هروی



چندروز پیش سازمان ملل متحد با انتشار یک گزارش تازه تحت عنوان «عدالت از نگاه زنان افغان» در مورد چگونگی رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان، اعلام داشت که اکثریت این قضایا توسط میانجیگران خارج از نهادهای عدلی و قضایی مورد بررسی و فیصله قرار می گیرد. بر بنیاد این گزارش که در یک نشست خبری ارائه گردید، ماه های اگست ۲۰۱۴ تا فبروری سال ۲۰۱۵ را در برمی گیرد چگونگی رسیدگی دوسیه های یک صدوه و زن و دختری را در هجده ولایت کشور که مورد خشونت قرار گرفته اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در این گزارش گفته شده است که بررسی پرونده های یادشده نشان می دهد که رسیدگی مورد خشونت های اعمال شده بر زنان و دختران نه توسط نهادهای عدلی و قضایی بلکه بر بنیاد یک روش فراقانونی توسط

چندروز پیش سازمان ملل متحد با انتشار یک گزارش تازه تحت عنوان «عدالت از نگاه زنان افغان» در مورد چگونگی رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان، اعلام داشت که اکثریت این قضایا توسط میانجیگران خارج از نهادهای عدلی و قضایی مورد بررسی و فیصله قرار می گیرد. بر بنیاد این گزارش که در یک نشست خبری ارائه گردید، ماه های اگست ۲۰۱۴ تا فبروری سال ۲۰۱۵ را در برمی گیرد چگونگی رسیدگی دوسیه های یک صدوه و زن و دختری را در هجده ولایت کشور که مورد خشونت قرار گرفته اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در این گزارش گفته شده است که بررسی پرونده های یادشده نشان می دهد که رسیدگی مورد خشونت های اعمال شده بر زنان و دختران نه توسط نهادهای عدلی و قضایی بلکه بر بنیاد یک روش فراقانونی توسط

معارف و تحصیلات عالی، وزارت اطلاعات، فرهنگ، وزارت داخله، وزارت عدلیه، سستره محکمه و نهادهای حقوق بشری و حقوق زنان بایستی در یک هماهنگی و انسجام برنامه ها و فعالیت های خود را طرح و عملی سازند. اما این که چرا زنان از مراجعه به مراجع قانونی خود داری ورزیده و تن به فیصله های فراقانونی می دهند، همانطور که یادآوری شد مناسفانه عدم کارایی مناسب از سوی مراجع ذیربط ویژه نهادهای عدلی و قضایی، وجود فساد اداری و نبود حاکمیت قانون سبب گردیده است که امید زنان از دسترسی به عدالت از طریق مراجع قانونی با ناهمبندی همراه باشد. اما باید یاد آورد که مراجع محلی و فیصله های فراقانونی نیز خواست زنان را برآورده نمی تواند و قسار به اجرای عدالت نخواهد بود. اما زنان برای بدترین شرایط و حالت خود را ناگزیر می بینند که به چنان مراجعی پناه ببرند. بدین جهت تأکید می گردد که حکومت بایستی تلاش های خود را در جهت بسط حاکمیت مرکزی و تحکیم نفوذ قانون و ایجاد اعتماد مردم به دستگاه های قانونی چند برابر افزایش دهد؛ در غیر این صورت متأسفانه وجود مراجع غیرقانونی و فیصله های فراقانونی همانند گذشته بدل به یک رویه پذیرفته شده باقی خواهد ماند و این مسئله با حاکمیت قانون و سیطره حکومت در تناقض کامل قرار دارد، علاوه بر آن در زمینه دسترسی به عدالت نیز هیچگونه منشا اثری نخواهد بود.

عوامل و زمینه های خشونت در جامعه، این عوامل و زمینه ها ممکن است بخشی از آن مر بسط به طرزنگرش و باورهای جامعه باشد و بخشی دیگر به روش ها و واقعیت های عینی، ارزیابی و تحلیل این موضوع بطور یقین از ظرفیت این نوشتار و صفحات فراتر است. اما به اختصار می توان گفت که متأسفانه زنان کشور علاوه بر بدوش کشیدن رنج تاریخی محرومیت از دوران های کهن، در دوران بیش از سه دهه جنگ و خشونت در کشور زمینه بروز و اعمال هر نوع رفتارهای خشونت آمیزدر جامعه بر علیه آنان فراهم گردید و جامعه نیز با تأثیر پذیری از شرایط جنگ و خشونت عملاً نه تنها در برخورد با همدیگر، بلکه با زنان و همسران خود بیش از پیش خشن ترین رفتارهای ممکن را بروز می دادند. بنابراین دایره این خشونت به اندازه دایره زندگی فردی و جمعی گسترده و عمیق است. با ظهور شرایط جدید در کشور امیدواری ها برای تغییر در وضعیت عمومی و بهبود یافتن آن بخصوص برای جامعه زنان کشور به شدت افزایش یافت. در همین راستا اقدام های هر چند کم یا زیاد برای برطرف ساختن مشکلات زنان در صورت گرفته است که بعنوان یک واقعیت نباید کتمان نمود؛ اما هنوز هم موانع بسیار عده و زیادهای برای بهبود بخشیدن به وضعیت زنان کشور وجود دارد. بنابراین یکی از راه های کاهش خشونت در جامعه و به خصوص نسبت به زنان آنست که فاکتورها و زمینه های رفع خشونت که به تجربه طی چند سال گذشته ثابت گردیده است تقویت گردد و گسترش داده شود. در این رابطه وزارت امور زنان، وزارت

که که شمار زیادی از نهادهای حقوق بشری و حقوق زنان در داخل کشور و نیز سازمان های جهانی در مورد مسئله اظهار نگرانی نموده و در ضمن، افغانستان را بدترین جای برای زندگی زنان بخوانند. مجموع گزارش های در مورد خشونت بر زنان و عدم دسترسی آنان به عدالت از طریق مراجع قانونی حکایت دیگری را نیز برملا می سازد مبنی بر این که هزینه ها و برنامه هایی که از آغاز تاکنون برای آگاهی دهی در مورد حقوق زنان و زمینه دسترسی آنان به عدالت به مصرف رسیده است متأسفانه بنا به دلایلی به نتیجه مطلوب تعیین شده منجر نگردیده است. حال پرسش این است که برآسانی ریشه های افزایش خشونت در جامعه بر زنان چیست؟ روش های که بتوان این خشونت ها را کاهش داد و مهار نمود چیست؟ چرا زنان به مراجع عدلی و قضایی و یا نهادهای قانونی جهت رسیدگی به دوسیه شان مراجعه نمی کنند؟ آیا مراجعه به روش های فراقانونی چون میانجیگری های محلی می تواند زمینه دسترسی زنان را به عدالت فراهم سازد؟ آیا فیصله های محلی و بدور از مراجع عدلی و قضایی موجب نقض قانون و حاکمیت حکومت شمرده نمی شود؟ البته در این رابطه پرسش های متعددی قابل طرح می باشد که دست یابی به پاسخ های آنان نیز ساده نبوده و مهم تر از همه زمینه تحقق پاسخ این پرسش ها دشوارتر می باشد. واقعیت امر آنست که بررسی ریشه های خشونت بر زنان معطوف است به وجود



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاترک دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاترک دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر : حفیظ الله زکی  
کارکاوتوریست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

